

رابطه ویژگی‌های شخصیتی با مهارت‌های حل تعارض در زوجین

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۴۰۵/۰۳/۳۰

تاریخ چاپ نهایی: ۱۴۰۵/۱۱/۰۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه ویژگی‌های شخصیتی شامل برونگرایی، روان‌رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی با مهارت‌های حل تعارض در زوجین دانشجوی متأهل دانشگاه تبریز بود. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه تبریز در سال ۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۲۲۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه شخصیت آیزنک و پرسشنامه حل تعارض رحیم (ROI - I I) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل مسیر و نرم‌افزارهای آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. همچنین نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تأیید شد و از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده گردید. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که برونگرایی رابطه مثبت و معناداری با مهارت حل تعارض در زوجین دارد ($\beta = 0.339, p < 0.05$). همچنین روان‌رنجورخویی ($\beta = -0.237, p < 0.05$) و روان‌پریش‌خویی ($\beta = -0.494, p < 0.01$) دارای رابطه منفی و معنادار با مهارت حل تعارض بودند. یافته‌ها بیانگر آن بود که افزایش برونگرایی موجب بهبود مهارت‌های حل تعارض می‌شود، در حالی که افزایش روان‌رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی با کاهش توانایی زوجین در مدیریت تعارضات زناشویی همراه است. نتایج پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی نقش مهمی در کیفیت مهارت‌های حل تعارض زوجین دارند. برونگرایی می‌تواند زمینه‌ساز تعامل مؤثر و گفت‌وگوی سازنده میان همسران باشد، در حالی که روان‌رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی با افزایش تنش‌های هیجانی و کاهش همدلی، فرآیند حل تعارض را مختل می‌کنند. بنابراین توجه به ویژگی‌های شخصیتی در برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای زوجین می‌تواند در ارتقای کیفیت روابط زناشویی و کاهش تعارضات مؤثر باشد.

کلیدواژه‌گان: ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های حل تعارض، زوجین، برونگرایی، روان‌رنجورخویی، روان‌پریش‌خویی.

HEALTH PSYCHOLOGY AND
BEHAVIORAL DISORDERS

روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری

هانا فرجی^۱، زینب خانجانی^{۲*}، منصور بیرامی^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، پردیس ارس، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۲. گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول:

zeynabkhanjani@yahoo.com

شیوه استناددهی: فرجی، هانا، خانجانی، زینب، و بیرامی، منصور. (۱۴۰۵). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با مهارت‌های حل تعارض در زوجین. *روانشناسی سلامت و اختلالات رفتاری*، ۴(۶)، ۱-۱۴.



Relationship Between Personality Traits and Conflict Resolution Skills in Couples

Submit Date:
2026-01-04

Revise Date:
2026-05-04

Accept Date:
2026-05-12

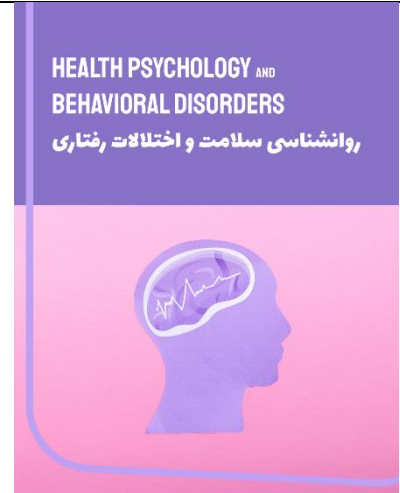
Initial Publish Date:
2026-06-20

Final Publish Date:
2027-01-21

Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between personality traits, including extraversion, neuroticism, and psychoticism, and conflict resolution skills among married couples studying at the University of Tabriz. This study employed a descriptive-correlational design. The statistical population included all married students of the University of Tabriz in 2026, from whom 225 participants were selected using multistage cluster random sampling. Data collection instruments included the Eysenck Personality Questionnaire and Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II). Data were analyzed using path analysis techniques. The Kolmogorov–Smirnov test confirmed the normal distribution of the data, and Pearson correlation analysis was used to examine relationships among variables. The findings of path analysis demonstrated that extraversion had a positive and significant relationship with conflict resolution skills among couples ($\beta=0.339$, $p<0.05$). In contrast, neuroticism ($\beta=-0.237$, $p<0.05$) and psychoticism ($\beta=-0.494$, $p<0.01$) showed negative and significant relationships with conflict resolution skills. The results indicated that higher levels of extraversion were associated with better conflict management abilities, whereas increased neuroticism and psychoticism were associated with poorer conflict resolution performance in marital relationships. The study findings highlighted the important role of personality traits in determining the quality of couples' conflict resolution skills. Extraversion may facilitate constructive communication and effective interpersonal interaction between spouses, whereas neuroticism and psychoticism may intensify emotional instability and reduce empathy, thereby impairing the conflict resolution process. These findings suggest that attention to personality characteristics in counseling and educational interventions may contribute to improving marital relationships and reducing interpersonal conflicts among couples.

Keywords: *Personality traits, conflict resolution skills, couples, extraversion, neuroticism, psychoticism*

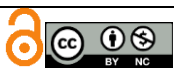


Hana Faraji¹, Zeinab Khanjani^{2*},
Mansour Bayrami²

1. Master of General psychology, Aras Pardis, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
2. Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

*Corresponding Author's Email:
zeynabkhanjani@yahoo.com

How to cite: Faraji, H., Khanjani, Z., & Bayrami, M. (2027). Relationship Between Personality Traits and Conflict Resolution Skills in Couples. *Health Psychology and Behavioral Disorders*, 4(6), 1-14.



مؤثر از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود که نقش اساسی در سلامت روانی، اجتماعی و عاطفی افراد ایفا می‌کند. کیفیت روابط زناشویی نه تنها بر رضایت فردی همسران اثرگذار است، بلکه بر کارکرد خانواده، سلامت فرزندان و پایداری ساختار اجتماعی نیز تأثیر مستقیم دارد. در این میان، وجود تعامل سازنده، همدلی و توانایی مدیریت اختلاف‌ها از جمله عوامل تعیین‌کننده در موفقیت زندگی مشترک به شمار می‌رود. با وجود این، تعارض در روابط زناشویی پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است و به دلیل تفاوت در نیازها، نگرش‌ها، باورها و انتظارات زوجین، بروز اختلاف در زندگی مشترک امری طبیعی تلقی می‌شود. آنچه اهمیت دارد، نحوه مواجهه زوجین با این تعارض‌ها و شیوه حل‌وفصل آن‌هاست؛ زیرا کیفیت مدیریت تعارض می‌تواند مسیر رابطه را به سوی صمیمیت بیشتر یا فرسایش عاطفی سوق دهد (Bahramian et al., 2025; Masoudi Asl & Rad, 2016).

پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که افزایش تعارضات زناشویی و ناتوانی در مدیریت آن‌ها از مهم‌ترین عوامل کاهش رضایت زناشویی و افزایش گرایش به طلاق محسوب می‌شود. در بسیاری از موارد، اختلافات کوچک و حل‌نشده به تدریج به تعارضات مزمن تبدیل شده و زمینه بروز طلاق عاطفی را فراهم می‌کنند. طلاق عاطفی وضعیتی است که در آن زوجین علی‌رغم زندگی زیر یک سقف، از نظر هیجانی و عاطفی از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و تعاملات میان آن‌ها به حداقل می‌رسد. این نوع گسست عاطفی معمولاً با کاهش صمیمیت، اعتماد و حمایت متقابل همراه است و می‌تواند پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی گسترده‌ای برای زوجین و فرزندان داشته باشد (Badri, 2021; Bastani et al., 2021; Damo & Cenci, 2021). به همین دلیل، شناسایی عواملی که می‌توانند در ارتقای مهارت‌های حل تعارض و کاهش تنش‌های زناشویی نقش داشته باشند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه خانواده و روابط بین‌فردی قرار گرفته، ویژگی‌های شخصیتی افراد است. شخصیت مجموعه‌ای نسبتاً پایدار از الگوهای شناختی، هیجانی و رفتاری است که شیوه تعامل فرد با محیط و دیگران را تعیین می‌کند. ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند نحوه ادراک افراد از موقعیت‌های تنش‌زا، شیوه واکنش به تعارض و سبک ارتباطی آنان را تحت تأثیر قرار دهند. بر اساس نظریه آیزنک، سه بعد اصلی شخصیت شامل برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تبیین‌کننده تفاوت‌های فردی هستند (Netter et al., 2021). برون‌گرایی با ویژگی‌هایی مانند اجتماعی بودن، هیجان‌خواهی، نشاط و تمایل به تعاملات بین‌فردی مشخص می‌شود، در حالی که روان‌رنجورخویی بیانگر ناپایداری هیجانی، اضطراب و حساسیت بالا نسبت به تنش‌هاست. همچنین روان‌پریش‌خویی با رفتارهای تکانشی، پرخاشگرانه و کاهش همدلی ارتباط دارد (Hopwood, 2025).

ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر کیفیت روابط زناشویی اثرگذار باشند. افرادی که از برون‌گرایی بالاتری برخوردارند، معمولاً در برقراری ارتباط مؤثر، ابراز هیجان‌ات مثبت و حل مسئله توانمندتر عمل می‌کنند و در نتیجه، احتمال موفقیت بیشتری در مدیریت تعارضات زناشویی دارند. در مقابل، افرادی که سطوح بالایی از روان‌رنجورخویی را تجربه می‌کنند، اغلب در مواجهه با اختلاف‌ها واکنش‌های هیجانی شدیدتری نشان می‌دهند و ممکن است در فرآیند حل تعارض به جای استفاده از راهبردهای منطقی، به اجتناب، سرزنش یا واکنش‌های دفاعی متوسل شوند (Igbo et al., 2015; Ojeme, 2020). از سوی دیگر، روان‌پریش‌خویی بالا نیز می‌تواند با کاهش همدلی، ضعف در کنترل تکانه و افزایش رفتارهای خصمانه همراه باشد و توانایی افراد را در دستیابی به توافق و مصالحه کاهش دهد (Netter et al., 2021).

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در روابط زناشویی پرداخته‌اند. برای مثال، محمدی‌نیا و نصیری نشان دادند که برخی ویژگی‌های شخصیتی با شیوع طلاق عاطفی در بین دانشجویان ارتباط معناداری دارند و افرادی که از ثبات هیجانی بیشتری برخوردارند، رضایت زناشویی بالاتری را تجربه می‌کنند (Mohammadinia & Nasiri, 2019). همچنین صادق‌مزجی و صائمی گزارش کردند که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند طلاق عاطفی را پیش‌بینی کنند و روان‌رنجورخویی یکی از قوی‌ترین پیش‌بین‌های نارضایتی

زناشویی است (Sadegh Mazji & Saemi, 2017). در مطالعه دیگری، برودک و همکاران نشان دادند که ابعاد شخصیت در پیش‌بینی رضایت زناشویی زوج‌های مسن نقش معناداری دارند و ویژگی‌هایی مانند برون‌گرایی و توافق‌پذیری با رضایت بیشتر از رابطه همراه هستند (Brudek et al., 2018).

علاوه بر شخصیت، مهارت‌های حل تعارض نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی در پایداری زندگی مشترک شناخته می‌شوند. حل تعارض به مجموعه‌ای از راهبردها و مهارت‌ها اشاره دارد که افراد از طریق آن‌ها اختلافات و تنش‌های بین‌فردی را مدیریت می‌کنند. زوجینی که از مهارت‌های حل تعارض مؤثرتری برخوردارند، معمولاً قادرند اختلافات را به شیوه‌ای سازنده مدیریت کرده و از تبدیل تعارضات روزمره به بحران‌های عاطفی جلوگیری کنند. در مقابل، استفاده از سبک‌های ناسازگار حل تعارض مانند اجتناب، سلطه‌گری یا پرخاشگری می‌تواند موجب تشدید تنش‌ها و کاهش رضایت زناشویی شود (Bahramian et al., 2025; Karimi et al., 2014).

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض ارتباط نزدیکی با کیفیت زندگی زناشویی دارند. محمودزاده مرقی و همکاران با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان دادند که مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض می‌تواند گرایش به طلاق را پیش‌بینی کنند و ضعف در این مهارت‌ها با افزایش احتمال فروپاشی رابطه همراه است (Mahmoudzadeh Maraghi et al., 2021). همچنین عظیمی و همکاران دریافتند که سبک‌های کنترل تعارض از طریق سرسختی روان‌شناختی بر طلاق عاطفی زوجین اثر می‌گذارد و استفاده از سبک‌های سازگارانه می‌تواند از فرسایش رابطه جلوگیری کند (Azimi et al., 2019).

در این میان، برخی پژوهشگران بر نقش متقابل ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های حل تعارض تأکید کرده‌اند. برای مثال، یوسفی و عزیزی نشان دادند که تیپ‌های شخصیتی و تمایز یافتگی می‌تواند تعارضات زناشویی را پیش‌بینی کنند و افراد با ویژگی‌های شخصیتی سالم‌تر، تعارضات کمتری را تجربه می‌کنند (Yousefi & Azizi, 2018). امینی و عارفی نیز گزارش کردند که ویژگی‌های شخصیتی در کنار سبک‌های دل‌بستگی و شیوه‌های فرزندپروری، توانایی پیش‌بینی تعارضات زناشویی را دارند (Amini & Arefi, 2019). این یافته‌ها نشان می‌دهد که شخصیت نه تنها بر کیفیت روابط زوجین اثر می‌گذارد، بلکه می‌تواند نحوه استفاده افراد از راهبردهای حل تعارض را نیز تعیین کند.

از منظر نظری، افراد برون‌گرا به دلیل برخورداری از مهارت‌های اجتماعی قوی‌تر، تمایل بیشتری به گفت‌وگو، تعامل و بیان هیجانات دارند و در نتیجه احتمال بیشتری دارد که در هنگام بروز اختلاف، از راهبردهای سازنده و مشارکتی استفاده کنند. در مقابل، افراد دارای روان‌رنجورخویی بالا ممکن است در موقعیت‌های تعارض آمیز دچار آشفتگی هیجانی شوند و به جای تمرکز بر حل مسئله، بر هیجانات منفی و احساس تهدید متمرکز گردند (Hopwood, 2025; Ojeme, 2020). همچنین روان‌پریش‌خویی می‌تواند موجب کاهش همدلی و افزایش رفتارهای خصمانه شود و در نتیجه فرآیند حل تعارض را مختل سازد (Netter et al., 2021).

مطالعات جدید نیز این ارتباط را تأیید کرده‌اند. ژونگ و همکاران در پژوهشی بر روی دانشجویان دانشگاه نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی با راهبردهای حل تعارض بین‌فردی رابطه معناداری دارند و افراد برون‌گرا بیشتر از سبک‌های مشارکتی و سازنده استفاده می‌کنند، در حالی که روان‌رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی با سبک‌های اجتنابی و ناسازگارانه همراه هستند (Zhong et al., 2024). همچنین عبدی در مطالعه‌ای مقایسه‌ای گزارش کرد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی، از الگوهای ارتباطی ضعیف‌تر و راهبردهای حل تعارض ناکارآمدتری برخوردارند (Abdi, 2025).

علاوه بر این، نقش مؤلفه‌های هیجانی در فرآیند حل تعارض نیز مورد توجه قرار گرفته است. سینگ بیان می‌کند که هوش هیجانی می‌تواند توانایی افراد را در مدیریت تعارض افزایش دهد و افرادی که از آگاهی هیجانی بیشتری برخوردارند، بهتر می‌توانند احساسات خود و دیگران را تنظیم کرده و به توافق دست یابند (Singh, 2025). این موضوع نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های هیجانی در کنار یکدیگر می‌توانند کیفیت روابط بین‌فردی و زناشویی را شکل دهند.

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه شخصیت و تعارضات زناشویی، هنوز بررسی همزمان ابعاد شخصیت آیزنک و مهارت‌های حل تعارض در میان زوجین دانشجویان، به‌ویژه در بافت فرهنگی ایران، نیازمند مطالعات بیشتری است. دانشجویان متأهل به دلیل فشارهای اقتصادی، تحصیلی و اجتماعی، ممکن است تعارضات ویژه‌ای را تجربه کنند و ویژگی‌های شخصیتی آنان در نحوه مدیریت این تعارضات نقش مهمی داشته باشد. از این رو، شناخت ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های حل تعارض می‌تواند به طراحی مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای مؤثر برای ارتقای کیفیت روابط زناشویی کمک کند. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با مهارت‌های حل تعارض در زوجین بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر روش، در زمره تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی قرار داشت و از حیث هدف، پژوهشی بنیادی محسوب می‌شد. جامعه آماری این مطالعه را تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه تبریز در سال ۱۴۰۴ تشکیل می‌دادند که بر اساس آمار رسمی دانشگاه، تعداد آنان حدود ۷۵۰۰ نفر برآورد شد. برای تعیین حجم نمونه از پیشنهاد استیونس استفاده شد؛ بدین صورت که در پژوهش‌های مبتنی بر رگرسیون و مدل‌یابی، به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده، بین ۲۰ تا ۲۵ نفر به‌عنوان نمونه در نظر گرفته می‌شود. با توجه به تعداد متغیرهای مورد مطالعه و ماهیت تحلیل مسیر، حجم نمونه ۲۲۵ نفر تعیین شد. نمونه‌های پژوهش از میان دانشجویان متأهل ۲۰ تا ۳۰ ساله انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی چندمرحله‌ای خوشه‌ای انجام گرفت؛ به این ترتیب که ابتدا از میان دانشکده‌های دانشگاه تبریز، دو دانشکده به‌صورت تصادفی انتخاب شد و سپس از هر دانشکده، پنج کلاس به شیوه تصادفی گزینش گردید. در ادامه، پرسشنامه‌ها میان دانشجویان متأهل حاضر در کلاس‌ها توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شدند. پیش از اجرای پژوهش، هدف مطالعه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و محرمانه بودن اطلاعات و اختیاری بودن مشارکت در پژوهش مورد تأکید قرار گرفت.

برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی آیزنک استفاده شد. این پرسشنامه توسط آیزنک و سیل در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۶ طراحی و تدوین شده و یکی از شناخته‌شده‌ترین ابزارهای سنجش ویژگی‌های شخصیتی محسوب می‌شود. فرم مورد استفاده در این پژوهش، فرم تجدیدنظر شده بزرگسالان بود که برای افراد ۱۶ سال به بالا طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۹۰ عبارت بوده و پاسخ‌دهی به آن به‌صورت دو گزینه‌ای بله و خیر انجام می‌شود. در پژوهش حاضر، سه مؤلفه اصلی برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی و روان‌پیش‌خویی مورد استفاده قرار گرفت که به‌ترتیب شامل ۲۱، ۲۳ و ۲۵ سؤال بودند. برون‌گرایی بیانگر میزان اجتماعی بودن، نشاط و تمایل فرد به تعاملات اجتماعی است؛ روان‌رنجورخویی به ناپایداری هیجانی و تجربه هیجان‌های منفی اشاره دارد و روان‌پیش‌خویی نیز ویژگی‌هایی نظیر تکانشگری، پرخاشگری و ضعف در همدلی را ارزیابی می‌کند. در پژوهش طالب‌طاری (۱۳۹۴)، ضرایب پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی، روان‌گسسته‌گرایی و دروغ‌پردازی به‌ترتیب ۰٫۸۸، ۰٫۸۵، ۰٫۸۲ و ۰٫۸۶ گزارش شد که بیانگر پایایی مطلوب ابزار بود.

همچنین برای سنجش مهارت‌های حل تعارض از پرسشنامه حل تعارض رحیم (ROCI-II) استفاده شد. این پرسشنامه توسط رحیم در سال ۱۹۸۳ طراحی شده و شامل ۲۸ سؤال است که سبک‌های مختلف حل تعارض افراد در روابط بین‌فردی، به‌ویژه در ارتباط با همسر را ارزیابی می‌کند. این ابزار دارای پنج بعد شامل سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم‌شده، سبک اجتناب‌کننده و سبک مصالحه است که به‌ترتیب دارای ۷، ۶، ۵، ۴ و ۶ سؤال می‌باشند. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «بسیار کم» تا «بسیار زیاد» انجام می‌شود. رحیم در مطالعه اولیه خود بر روی نمونه‌ای ۱۲۱۹ نفری، اعتبار سازه و پایایی مطلوب این پرسشنامه را تأیید کرد و تحلیل عاملی آن نیز وجود پنج سبک متمایز حل تعارض را نشان داد. در پژوهش طالعی (۱۳۹۸)، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰٫۸۹ گزارش شد که

نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب ابزار بود. بر اساس شیوه نمره‌گذاری، نمرات پایین‌تر بیانگر ضعف در مهارت حل تعارض و نمرات بالاتر نشان‌دهنده توانایی بیشتر افراد در مدیریت و حل تعارضات بین‌فردی است.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات به‌دست‌آمده وارد نرم‌افزارهای آماری شد و در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌هایی نظیر میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی برای توصیف ویژگی‌های متغیرها استفاده شد. به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف اجرا گردید که نتایج آن نشان داد توزیع تمامی متغیرهای پژوهش نرمال است. در ادامه، برای بررسی روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین به‌منظور آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی اثرات مستقیم ویژگی‌های شخصیتی بر مهارت‌های حل تعارض زوجین، تحلیل مسیر به‌کار گرفته شد. معناداری ضرایب مسیر بر اساس مقدار آماره t و سطح معناداری کمتر از $0,05$ مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان نشان داد که تمامی افراد پژوهش را دانشجویان متأهل دانشگاه تبریز تشکیل می‌دادند که در دامنه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار داشتند. از مجموع ۲۲۵ شرکت‌کننده، ۱۱۸ نفر زن و ۱۰۷ نفر مرد بودند. میانگین مدت زمان ازدواج شرکت‌کنندگان ۴,۷۲ سال و میانگین سنی آنان ۲۵,۸۴ سال بود. همچنین بیشتر شرکت‌کنندگان در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند و بخش قابل توجهی از آنان سابقه اشتغال همزمان با تحصیل را گزارش کردند. مشارکت‌کنندگان از دانشکده‌های مختلف دانشگاه انتخاب شده بودند که این امر موجب افزایش تنوع نمونه و قابلیت تعمیم یافته‌ها شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمترین	بیشترین
شخصیت برونگرایی	۱۸,۶۸۰	۳,۸۹۶	-۰,۲۹۰	۰,۶۰۸	۰	۲۱
شخصیت روان‌رنجورخویی	۴,۰۶۲	۴,۹۴۲	۰,۵۷۰	۱,۴۹۸	۰	۲۳
شخصیت روان‌پریش‌خویی	۳,۲۰۴	۴,۵۳۱	۰,۵۱۱	۱,۲۹۸	۰	۲۵
مهارت حل تعارض	۱۰۴,۵۷۳	۱۶,۸۲۷	-۱,۱۲۲	۱,۲۷۹	۲۸	۱۴۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمره مهارت حل تعارض در بین زوجین برابر با $104,573$ بود که بیانگر سطح نسبتاً مطلوب مهارت‌های حل تعارض در نمونه مورد مطالعه است. همچنین در بین ابعاد شخصیت، بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه برونگرایی و کمترین میانگین مربوط به روان‌پریش‌خویی بود. شاخص‌های چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه قابل قبول قرار داشتند که بیانگر توزیع نسبتاً نرمال داده‌ها بود.

به‌منظور بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل، ابتدا نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری تمامی متغیرها بیشتر از $0,05$ است؛ به‌طوری که مقدار معناداری برای برونگرایی $0,200$ ، روان‌رنجورخویی $0,098$ ، روان‌پریش‌خویی $0,103$ و مهارت حل تعارض $0,200$ به‌دست آمد. بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید شد و استفاده از آزمون‌های پارامتریک بلا مانع بود. همچنین با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و نبود مقادیر پرت شدید، از همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر برای آزمون روابط بین متغیرها استفاده شد. نتایج بررسی شاخص‌های هم‌خطی چندگانه نیز نشان داد که مقادیر تحمل و عامل تورم واریانس در محدوده مطلوب قرار داشتند و مشکل هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین وجود نداشت.

جدول ۲. نتایج تحلیل مسیر روابط مستقیم متغیرها

فرضیه	مسیر	ضریب مسیر	مقدار بحرانی (t)	سطح معناداری	نتیجه
۱	عامل برونگرایی شخصیت ← مهارت حل تعارض	۰.۳۳۹	۲.۰۱۵	۰.۰۴۴	تأیید
۲	عامل روان‌رنجورخویی شخصیت ← مهارت حل تعارض	-۰.۲۳۷	۲.۵۳۹	۰.۰۴۰	تأیید
۳	عامل روان‌پریش‌خویی شخصیت ← مهارت حل تعارض	-۰.۴۹۴	۳.۱۱۸	۰.۰۰۲	تأیید

نتایج تحلیل مسیر در جدول ۲ نشان داد که برونگرایی دارای اثر مستقیم مثبت و معنادار بر مهارت حل تعارض زوجین است ($\beta=0.339$, $p<0.05$). این یافته نشان می‌دهد که افزایش ویژگی برونگرایی با ارتقای توانایی زوجین در مدیریت و حل تعارضات زناشویی همراه است. همچنین روان‌رنجورخویی دارای اثر مستقیم منفی و معنادار بر مهارت حل تعارض بود ($\beta=-0.237$, $p<0.05$), به این معنا که افزایش ناپایداری هیجانی و هیجان‌های منفی موجب کاهش کارآمدی مهارت‌های حل تعارض می‌شود. افزون بر این، روان‌پریش‌خویی نیز اثر مستقیم منفی و معناداری بر مهارت حل تعارض داشت ($\beta=-0.494$, $p<0.01$) و بیشترین شدت اثر را در میان متغیرهای پیش‌بین نشان داد. در مجموع، یافته‌ها حاکی از آن بود که ویژگی‌های شخصیتی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت مهارت‌های حل تعارض زوجین ایفا می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با مهارت‌های حل تعارض در زوجین انجام شد و نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی شامل برونگرایی، روان‌رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی نقش معناداری در پیش‌بینی مهارت‌های حل تعارض زوجین دارند. یافته‌ها بیانگر آن بود که برونگرایی با مهارت حل تعارض رابطه مثبت و معنادار دارد، در حالی که روان‌رنجورخویی و روان‌پریش‌خویی با مهارت حل تعارض رابطه منفی و معنادار نشان دادند. این نتایج اهمیت نقش ویژگی‌های شخصیتی را در کیفیت روابط زناشویی و شیوه مدیریت اختلافات میان زوجین برجسته می‌سازد.

یافته نخست پژوهش نشان داد که برونگرایی با مهارت حل تعارض زوجین رابطه مثبت و معنادار دارد. این یافته با نتایج مطالعات پیشین همسو بود که نشان داده‌اند افراد برونگرا معمولاً در برقراری ارتباط مؤثر، تعاملات اجتماعی و بیان هیجان‌های مثبت توانمندتر عمل می‌کنند و در نتیجه در مواجهه با تعارضات زناشویی از راهبردهای سازنده‌تری بهره می‌برند (Ojeme, 2020; Zhong et al., 2024). همچنین این نتیجه با یافته‌های یوسفی و عزیزی مبنی بر نقش تیپ‌های شخصیتی در کاهش تعارضات زناشویی و نیز پژوهش امینی و عارفی درباره پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی هماهنگ است (Amini & Arefi, 2019; Yousefi & Azizi, 2018). افزون بر این، برودک و همکاران نیز گزارش کردند که برونگرایی از جمله ویژگی‌هایی است که رضایت زناشویی و کیفیت روابط زوجین را افزایش می‌دهد (Brudek et al., 2018).

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که افراد برونگرا معمولاً دارای سطح بالاتری از تعاملات اجتماعی، اعتماد به نفس و تمایل به گفت‌وگو هستند و همین امر موجب می‌شود در هنگام بروز اختلاف، به جای کناره‌گیری یا واکنش‌های خصمانه، از تعامل سازنده و مذاکره استفاده کنند. این افراد معمولاً هیجان‌های خود را آشکارتر بیان کرده و آمادگی بیشتری برای شنیدن دیدگاه‌های طرف مقابل دارند. در نتیجه، احتمال دستیابی به توافق و مصالحه در روابط زناشویی آنان بیشتر است. همچنین برونگرایی می‌تواند با افزایش حمایت عاطفی و کاهش سوءبرداشت‌های ارتباطی همراه باشد و به بهبود کیفیت تعاملات میان همسران کمک کند (Hopwood, 2025; Igbo et al., 2015). به نظر می‌رسد زوجینی که از برونگرایی بالاتری برخوردارند، اختلافات را تهدیدی برای رابطه تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را فرصتی برای تبادل نظر و بهبود تعاملات می‌دانند. یافته دوم پژوهش نشان داد که روان‌رنجورخویی با مهارت حل تعارض رابطه منفی و معنادار دارد. این نتیجه با مطالعات مختلف داخلی و خارجی همسو است که روان‌رنجورخویی را یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تعارضات زناشویی معرفی کرده‌اند (Ojeme, 2020; Sadegh

(Mazji & Saemi, 2017). همچنین نتایج پژوهش محمدی‌نیا و نصیری نشان داد که افراد دارای نمرات بالاتر در روان‌رنجورخویی، سطح بیشتری از طلاق عاطفی و ناراضی‌تی زناشویی را تجربه می‌کنند (Mohammadinia & Nasiri, 2019). علاوه بر این، پژوهش عظیمی و همکاران نیز نشان داد که ضعف در مدیریت هیجانات و سبک‌های ناسازگار کنترل تعارض می‌تواند زمینه‌ساز طلاق عاطفی در زوجین شود (Azimi et al., 2019).

در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که در بعد روان‌رنجورخویی نمرات بالاتری دارند، معمولاً از ثبات هیجانی کمتری برخوردارند و در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا، واکنش‌های هیجانی شدیدتری نشان می‌دهند. این افراد اغلب مستعد تجربه اضطراب، خشم، نگرانی و احساس ناامنی هستند و در هنگام تعارض، به جای تمرکز بر حل مسئله، بیشتر بر هیجانات منفی خود متمرکز می‌شوند. چنین شرایطی موجب می‌شود فرآیند گفت‌وگو و حل منطقی اختلاف‌ها با اختلال مواجه گردد و احتمال استفاده از رفتارهای اجتنابی، دفاعی یا پرخاشگرانه افزایش یابد (Netter et al., 2021). از سوی دیگر، روان‌رنجورخویی بالا می‌تواند حساسیت افراد را نسبت به انتقاد و تعارض افزایش دهد و حتی اختلافات کوچک را به بحران‌های عاطفی تبدیل کند. در نتیجه، توانایی زوجین برای دستیابی به توافق پایدار و مدیریت مؤثر اختلافات کاهش می‌یابد (Hopwood, 2025).

یافته سوم پژوهش نشان داد که روان‌پیش‌خویی با مهارت حل تعارض رابطه منفی و معنادار دارد. این یافته با نتایج پژوهش ژونگ و همکاران همسو است که نشان دادند افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی ناسازگار، بیشتر از سبک‌های اجتنابی و غیرسازنده در حل تعارض استفاده می‌کنند (Zhong et al., 2024). همچنین اوجمه گزارش کرد که روان‌پیش‌خویی با افزایش تعارضات زناشویی و کاهش کیفیت روابط زوجین همراه است (Ojeme, 2020). افزون بر این، یافته‌های پژوهش‌های مرتبط با طلاق عاطفی نیز نشان داده‌اند که ویژگی‌هایی مانند پرخاشگری، ضعف در همدلی و رفتارهای تکانشی می‌توانند موجب افزایش فاصله عاطفی میان همسران شوند (Badri, 2021; Damo & Cenci, 2021). در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که روان‌پیش‌خویی معمولاً با ویژگی‌هایی مانند تکانشگری، رفتارهای خصمانه، کاهش همدلی و بی‌توجهی به پیامدهای رفتار همراه است. افرادی که در این بعد نمره بالاتری دارند، در روابط بین‌فردی کمتر قادرند احساسات و نیازهای دیگران را درک کنند و در نتیجه هنگام بروز تعارض، بیشتر به رفتارهای سلطه‌گرانه یا پرخاشگرانه متوسل می‌شوند. چنین واکنش‌هایی نه تنها مانع حل سازنده اختلافات می‌شود، بلکه می‌تواند موجب تشدید تنش‌ها و کاهش صمیمیت عاطفی در روابط زناشویی گردد (Netter et al., 2021). به علاوه، ضعف در همدلی و مسئولیت‌پذیری باعث می‌شود این افراد تمایل کمتری به پذیرش خطا یا همکاری برای حل مسئله داشته باشند و در نتیجه فرآیند حل تعارض به بن‌بست برسد. بنابراین می‌توان گفت که افزایش روان‌پیش‌خویی با کاهش کیفیت تعاملات زناشویی و تضعیف مهارت‌های حل تعارض همراه است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه مدیریت تعارضات زناشویی دارند. این نتایج با دیدگاه‌های نظری شخصیت و روابط بین‌فردی همخوانی دارد که معتقدند افراد بر اساس ساختار شخصیتی خود، شیوه‌های متفاوتی را برای مواجهه با تنش‌ها و اختلافات انتخاب می‌کنند (Hopwood, 2025; Netter et al., 2021). همچنین یافته‌های این پژوهش از اهمیت آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض در کنار توجه به تفاوت‌های شخصیتی حمایت می‌کند. در واقع، درک ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌تواند به مشاوران و درمانگران کمک کند تا مداخلات متناسب‌تری برای بهبود کیفیت روابط زناشویی طراحی کنند.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش حاضر اهمیت عوامل روان‌شناختی را در پیشگیری از طلاق عاطفی و ناسازگاری زناشویی برجسته می‌سازد. پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که ضعف در مهارت‌های حل تعارض و وجود ویژگی‌های شخصیتی ناسازگار می‌تواند زمینه‌ساز فرسایش عاطفی، کاهش رضایت زناشویی و افزایش گرایش به طلاق شود (Bastani et al., 2011; Mahmoudzadeh Maraghi et al., 2021). بنابراین، توجه به ویژگی‌های شخصیتی در برنامه‌های آموزشی پیش از ازدواج و جلسات مشاوره خانواده می‌تواند نقش مهمی در ارتقای سلامت روان

خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد. همچنین با توجه به نقش هیجان‌ها در فرآیند حل تعارض، تقویت هوش هیجانی و آموزش تنظیم هیجان می‌تواند به زوجین در مدیریت بهتر اختلافات کمک کند (Singh, 2025).

از دیگر نتایج مهم پژوهش حاضر، تأکید بر نقش تعامل میان ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای ارتباطی در کیفیت روابط زناشویی است. مطالعات نشان داده‌اند که زوجینی که از الگوهای ارتباطی سالم‌تر و مهارت‌های گفت‌وگوی مؤثر برخوردارند، حتی در صورت تجربه اختلاف، قادرند رابطه خود را حفظ کنند و از تشدید تعارضات جلوگیری نمایند (Bahramian et al., 2025; Karimi et al., 2014). در مقابل، وجود ویژگی‌های شخصیتی ناسازگار در کنار ضعف در مهارت‌های ارتباطی می‌تواند چرخه‌ای از تعارض و نارضایتی را ایجاد کند که در نهایت به فاصله عاطفی و فروپاشی رابطه منجر شود (Abdi, 2025; Houshyar & Afsharina, 2020).

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از ابزارهای خودگزارشی اشاره کرد که ممکن است تحت تأثیر تمایل پاسخ‌دهندگان به ارائه تصویری مطلوب از خود قرار گرفته باشد. همچنین جامعه آماری پژوهش تنها شامل دانشجویان متأهل دانشگاه تبریز بود و این موضوع ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج به سایر گروه‌های اجتماعی و فرهنگی را محدود سازد. علاوه بر این، ماهیت همبستگی پژوهش مانع از استنباط روابط علی میان متغیرها می‌شود.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، نقش سایر متغیرهای روان‌شناختی مانند سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی، تنظیم هیجان و رضایت زناشویی در ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های حل تعارض مورد بررسی قرار گیرد. همچنین اجرای پژوهش‌های طولی و مداخله‌ای می‌تواند به درک دقیق‌تر تغییرات روابط زناشویی در طول زمان کمک کند. بررسی این متغیرها در گروه‌های مختلف فرهنگی، شغلی و سنی نیز می‌تواند موجب گسترش دانش موجود در این حوزه شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره خانواده و مراکز دانشگاهی برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برای ارتقای مهارت‌های حل تعارض و بهبود مهارت‌های ارتباطی زوجین طراحی و اجرا کنند. همچنین توجه به ویژگی‌های شخصیتی در فرایند مشاوره پیش از ازدواج و زوج‌درمانی می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف زوجین کمک کند و زمینه بهبود کیفیت روابط زناشویی را فراهم سازد. آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان، همدلی و گفت‌وگوی مؤثر نیز می‌تواند نقش مؤثری در کاهش تعارضات و افزایش رضایت زناشویی داشته باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران از تمامی شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر کمک نمودند نهایت قدردانی و سپاس را دارند.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

چکیده گسترده

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Family is considered one of the most important social institutions and plays a central role in psychological well-being, emotional stability, and social functioning. Marital relationships, as the core of family functioning, are strongly influenced by the quality of communication and the ability of couples to manage interpersonal conflicts effectively. Although conflict is an inevitable aspect of marital life, the way couples resolve disagreements determines whether conflicts become opportunities for growth or sources of emotional distress and relational deterioration. Ineffective conflict management is associated with marital dissatisfaction, emotional divorce, and family instability (Bahramian et al., 2025; Masoudi Asl & Rad, 2016). Emotional divorce, characterized by emotional detachment and reduced intimacy between spouses despite continuing marital cohabitation, has increasingly become a major concern in contemporary societies (Bastani et al., 2011; Damo & Cenci, 2021).

Research has shown that marital conflict and emotional distancing are influenced by multiple psychological and interpersonal factors, among which personality traits play a significant role. Personality traits shape individuals' emotional responses, interpersonal interactions, coping mechanisms, and communication styles. According to Eysenck's theory, personality is primarily structured around three dimensions: extraversion, neuroticism, and psychoticism (Netter et al., 2021). Extraversion is associated with sociability, emotional expressiveness, and active interpersonal engagement, whereas neuroticism reflects emotional instability, anxiety, and vulnerability to stress. Psychoticism is characterized by impulsivity, hostility, low empathy, and difficulty adhering to social norms (Hopwood, 2025). These traits can substantially influence how couples perceive, experience, and manage interpersonal conflicts.

Previous studies have consistently demonstrated that personality traits are related to marital satisfaction and conflict management. Brudek and colleagues found that personality dimensions significantly predicted marital satisfaction among older couples, with extraversion positively associated with relational quality (Brudek et al., 2018). Similarly, Mohammadinia and Nasiri reported that emotional divorce among students was significantly associated with personality traits, particularly neuroticism (Mohammadinia & Nasiri, 2019). Sadeh Mazji and Saemi also concluded that personality traits and marital satisfaction components could predict emotional divorce (Sadeh Mazji & Saemi, 2017). These findings indicate that personality traits may either facilitate constructive interaction or intensify relational tensions.

Conflict resolution skills are another important determinant of marital stability. Effective conflict resolution involves the use of constructive communication, emotional regulation, negotiation, and problem-solving strategies that enable couples to manage disagreements without damaging the relationship. In contrast, maladaptive conflict management styles, such as avoidance, dominance, and aggression, can escalate tension

and reduce relationship satisfaction (Karimi et al., 2014). Mahmoudzadeh Maraghi and colleagues demonstrated that communication skills, conflict resolution skills, and problem-solving abilities significantly predicted the tendency toward divorce (Mahmoudzadeh Maraghi et al., 2021). Likewise, Azimi and colleagues found that conflict control styles and psychological hardiness were associated with emotional divorce among couples (Azimi et al., 2019).

The relationship between personality traits and conflict resolution has also attracted scholarly attention. Igbo and colleagues reported that personality traits were significantly associated with spouses' conflict resolution strategies (Igbo et al., 2015). Ojeme found that neuroticism positively predicted marital conflict, whereas extraversion and agreeableness were associated with healthier conflict management styles (Ojeme, 2020). Zhong and colleagues further demonstrated that university students' personality profiles were significantly related to interpersonal conflict resolution strategies (Zhong et al., 2024). These studies suggest that personality traits influence not only emotional functioning but also the behavioral strategies individuals adopt during conflicts.

In addition, emotional and communication-related variables may strengthen or weaken the relationship between personality and conflict resolution. Singh emphasized the role of emotional intelligence in conflict resolution and suggested that emotionally aware individuals are more capable of regulating emotions and achieving constructive interpersonal outcomes (Singh, 2025). Amini and Arefi also highlighted the predictive role of personality traits, attachment styles, and parenting styles in marital conflicts (Amini & Arefi, 2019). Furthermore, Yousefi and Azizi showed that differentiation of self and personality types were significant predictors of marital conflict (Yousefi & Azizi, 2018).

Despite the growing body of research on personality and marital conflict, limited studies have specifically investigated the relationship between Eysenck's personality dimensions and conflict resolution skills among married university students in the Iranian cultural context. Married students often experience unique psychological, educational, and economic pressures that may influence their marital interactions and conflict management processes. Therefore, examining the association between personality traits and conflict resolution skills among married students may contribute to a better understanding of marital functioning and provide valuable implications for counseling and preventive interventions. Accordingly, the present study aimed to investigate the relationship between personality traits and conflict resolution skills among married couples.

Methods and Materials

The present study employed a descriptive-correlational design and was categorized as a basic research study in terms of purpose. The statistical population consisted of all married students at the University of Tabriz during the academic year 2026. Based on university statistics, the population included approximately 7,500 married students. The sample size was determined according to Stevens' recommendation for regression-based studies, which suggests selecting 20 to 25 participants per measured variable. Accordingly, a total sample of 225 participants was selected.

Participants were married students between the ages of 20 and 30 years. Sampling was conducted using a multistage cluster random sampling method. Initially, two faculties were randomly selected from the faculties of the University of Tabriz. Subsequently, five classes from each faculty were randomly chosen, and questionnaires were distributed among married students attending those classes. Participation in the study was voluntary, and confidentiality of responses was ensured.

Data collection was conducted using the Eysenck Personality Questionnaire and the Rahim Organizational Conflict Inventory-II (ROCI-II). The Eysenck Personality Questionnaire included the dimensions of extraversion, neuroticism, and psychoticism. The Rahim Conflict Resolution Questionnaire assessed conflict resolution styles and interpersonal conflict management abilities.

Data analysis was performed using descriptive statistics, Pearson correlation coefficients, and path analysis. Means, standard deviations, skewness, and kurtosis indices were calculated to describe the variables. The Kolmogorov–Smirnov test was used to assess the normality of the data distribution. Since the assumptions of normality were met, parametric analyses were conducted. Path analysis was employed to examine the direct effects of personality traits on conflict resolution skills.

Findings

The demographic findings showed that all participants were married university students aged between 20 and 30 years. Among the participants, 118 were women and 107 were men. The mean duration of marriage was 4.72 years, and the average age of participants was 25.84 years.

Descriptive findings indicated that the mean score for extraversion was 18.680 with a standard deviation of 3.896. Neuroticism had a mean of 4.062 and a standard deviation of 4.942, while psychoticism had a mean of 3.204 and a standard deviation of 4.531. The mean score for conflict resolution skills was 104.573 with a standard deviation of 16.827. Skewness and kurtosis indices for all variables were within acceptable ranges, indicating normal data distribution.

The Kolmogorov–Smirnov test confirmed the normality assumption for all variables. The significance levels for extraversion, neuroticism, psychoticism, and conflict resolution skills were all above 0.05, indicating that parametric analyses could appropriately be applied.

Path analysis results demonstrated that extraversion had a positive and significant direct effect on conflict resolution skills ($\beta = 0.339$, $p < 0.05$). In contrast, neuroticism showed a negative and significant direct effect on conflict resolution skills ($\beta = -0.237$, $p < 0.05$). Psychoticism also had a negative and significant effect on conflict resolution skills and exhibited the strongest predictive effect among the studied personality dimensions ($\beta = -0.494$, $p < 0.01$). Overall, the findings suggested that personality traits significantly contributed to the prediction of conflict resolution skills among married couples.

Discussion and Conclusion

The findings of the present study demonstrated that personality traits play an important role in determining conflict resolution skills among married couples. Extraversion was positively associated with conflict resolution skills, whereas neuroticism and psychoticism were negatively associated with effective conflict management. These findings indicate that personality characteristics significantly influence how couples perceive, experience, and respond to interpersonal disagreements.

The positive association between extraversion and conflict resolution skills suggests that individuals who are sociable, emotionally expressive, and communicative are more likely to engage in constructive dialogue and collaborative problem-solving during marital conflicts. Extraverted individuals may possess greater interpersonal confidence and stronger communication abilities, enabling them to express emotions openly and seek mutually satisfying solutions. Consequently, they may prevent minor disagreements from escalating into chronic relational conflicts.

In contrast, neuroticism was negatively related to conflict resolution skills. Individuals high in neuroticism are more vulnerable to emotional instability, anxiety, irritability, and negative emotional experiences. These emotional characteristics may interfere with rational problem-solving and constructive communication during conflicts. Instead of focusing on solutions, highly neurotic individuals may become overwhelmed by emotional reactions, thereby increasing tension and misunderstanding within the relationship.

Psychoticism also demonstrated a significant negative relationship with conflict resolution skills. Individuals high in psychoticism often exhibit impulsivity, hostility, low empathy, and aggressive tendencies. Such characteristics may hinder effective communication and reduce willingness to compromise or cooperate with a spouse during disagreements. As a result, marital conflicts may intensify and become more difficult to resolve constructively.

Overall, the findings emphasize the importance of considering personality traits in marital counseling and family interventions. Personality characteristics influence emotional regulation, interpersonal communication, and conflict management styles, all of which contribute to marital adjustment and relationship quality. Educational and counseling programs aimed at improving couples' communication and emotional regulation skills may help reduce marital conflicts and strengthen relational satisfaction. In addition, increasing awareness of personality differences between spouses may enable couples to better understand each other's emotional reactions and interpersonal needs, thereby facilitating healthier and more constructive interactions within marital relationships.

فهرست منابع

References

- Abdi, S. (2025). A comparative study of differentiation of self, communication patterns, and conflict resolution tactics between divorce seeking and normal couples. *Journal of Preventive Counselling*, 6(2). https://journal.uma.ac.ir/article_3945.html?lang=en
- Amini, F., & Arefi, M. (2019). Predicting marital conflicts based on parenting styles, personality traits, and attachment styles among women in Kermanshah. *Modern Advances in Behavioral Sciences*, 4(33), 1-23.
- Azimi, N., Hosseini, S. S., Arefi, M., & Parandin, S. (2019). The mediating role of psychological hardiness in the relationship between conflict control styles and emotional divorce among couples. *Journal of Psychological Science*, 18(84), 2319-2328.
- Badri, M. S. (2021). *Predictors of emotional divorce based on an emotion-focused approach with the moderating role of love* [University of Isfahan].
- Bahramian, A., Kazemi, S. A., Javidi, H. A., & Barzegar, M. (2025). Investigating the Relationship Between Conflict Resolution Styles, Irrational Beliefs, and Communication Patterns with Marital Conflicts. *Scientific Quarterly of Psychological Methods and Models*, 15(55), 1-20.
- Bastani, S., Golzari, M., & Roshani, S. (2011). Consequences of emotional divorce and strategies for coping with it. *Family Research Quarterly*, 7(26), 23-38.
- Brudek, P., Steuden, S., & Jasik, I. (2018). Personality traits as predictors of marital satisfaction among older couples. *Psychoterapia*, 185(2), 5-20.
- Damo, D. D., & Cenci, C. M. B. (2021). Emotional divorce: Similarities and differences according to the position occupied. *Trends in Psychology*, 29(3), 505-518.
- Hopwood, C. J. (2025). Personality functioning, problems in living, and personality traits. *Journal of Personality Assessment*, 107(2), 143-158.
- Houshyar, F., & Afsharinia, K. (2020). Comparison of the effectiveness of behavioral couple therapy and acceptance and commitment therapy on marital relationship quality among maladjusted couples in Shiraz. *Woman and Society Quarterly*, 11(42), 1-18.
- Igbo, H. I., Grace, A. R., & Christiana, E. O. (2015). Relationship between duration of marriage, personality trait, gender and conflict resolution strategies of spouses. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 190, 490-496.
- Karimi, P., Karami, J., & Dehghan, F. (2014). The relationship of attachment styles and conflict resolution styles with marital burnout among married employees. *Woman and Society Quarterly*, 5(20), 53-70.
- Mahmoudzadeh Maraghi, A., Miraskandari, F., & Farbad, M. S. (2021). Structural equation modeling of tendency toward divorce with emphasis on communication skills, conflict resolution, and marital life problem-solving. *Journal of Behavioral Sciences Research*, 19(1), 35-44.
- Masoudi Asl, S., & Rad, F. (2016). A study of social factors related to marital maladjustment in Tabriz. *Journal of Sociological Studies*, 9(31), 47-68.
- Mohammadinia, N., & Nasiri, M. (2019). Prevalence of emotional divorce among students and its relationship with personality traits. Fourth International Conference on New Research Achievements in Humanities and Social and Cultural Studies, Isfahan.
- Netter, P., Hennig, J., & Munk, A. J. (2021). Principles and approaches in Hans Eysenck's personality theory: Their renaissance and development in current neurochemical research on individual differences. *Personality and Individual Differences*, 169, 109975.
- Ojeme, M. C. (2020). Relationship between personality factors and marital conflict resolution strategies among spouses in Abuja Municipal Area Council FCT Abuja. *Global Journal of Guidance and Counseling in Schools: Current Perspectives*, 10(3), 132-141.

- Sadegh Mazji, M., & Saemi, H. (2017). Predicting emotional divorce based on personality traits and components of marital satisfaction. *Semnan Police Science*, 7(25), 139-158.
- Singh, P. (2025). The Role of Emotional Intelligence in Conflict Resolution Among Adolescent Students. *Nijms*, 1(4), 38-44. <https://doi.org/10.71126/nijms.v1i4.36>
- Yousefi, N., & Azizi, A. (2018). Explaining a model for predicting marital conflict based on differentiation and personality types. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 9(35), 57-78.
- Zhong, B., Yan, J., Sun, H., Chen, H., Tao, B., Jiang, Y., & Ding, Z. (2024). Relationship between personality portraits of university students and interpersonal conflict resolution strategies: A latent profile analysis. *Scientific reports*, 14(1), 31967.